

سورة الاحقاف

١٢٤٤٥٥

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده علوم انسانی
گروه حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

بررسی رابطه جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی

(مطالعه موردی: القاعده)

استاد راهنما: آقای دکتر قربانی

استاد مشاور: آقای دکتر محمودی

نگارش: سمانه بایرامی

۱۳۸۸ / ۷ / ۱۶

نیم سال اول سال تحصیلی

گروه مطالعات منطقه‌ای و ملی
تهران

۸۴۸۸

۱۲۶۴۵۵

تقدیم به

پدرم

معلم بزرگ زندگیم

مادر عزیزم

که همواره باز حاشی آرایش و محبت

را به من ارزانی کرد




تقدیر و تشکر :

به ثمر رسیدن موفقیت آمیز هر خدمتی تنها در سایه توجهات خداوند و تلاش انسانهاست پس سپاس خدایی را که شایسته سپاس است .

با سپاس و قدردانی از اساتید عزیز و گرامی جناب آقای دکتر ارسلان قربانی و جناب آقای دکتر سید علی محمودی که در طی انجام این تحقیق به عنوان استاد راهنما و استاد مشاور مرا راهنمایی کردند و همانند چراغی روشن کننده راهم بودند.

و در پایان نیز مجدداً از عنایت خداوند متعال که مرا در انجام دادن این وظیفه توفیق داد، سپاسگذارم.



چکیده

جهانی شدن و بنیادگرایی هر دو از پدیده های مهم روزگار ما هستند. همزمان با موج جدید جهانی شدن که از دهه ۱۹۷۰ آغاز گردیده؛ جهان شاهد رشد جنبش های بنیادگرایانه دینی بوده است. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این پرسش است که جهانی شدن چه تاثیری بر رشد بنیادگرایی دینی داشته است. متغیر اول پدیده جهانی شدن در تعریف عام آن و متغیر دوم بنیادگرایی اسلامی است. فرضیه و پاسخ موقت پژوهش حاضر به این پرسش این است که جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب رشد بنیادگرایی اسلامی شده است. برای اثبات فرضیه جهانی شدن در سه بعد را مورد بررسی قرار گرفت. در بعد سیاسی به گسترش لیبرال دموکراسی و سیاست سکولار، در بعد اقتصادی به گسترش فرهنگ مصرفی و مولفه های نظام سرمایه داری و در بعد فرهنگی به نقش رسانه ها و مهاجرت ها اشاره شد. مولفه های ذکر شده چالش های را برای مسلمانان ایجاد می کند. از این منظر جهانی شدن چون پدیده ای اجتناب ناپذیر تلقی می شود که در این فرایند بسیاری از محدودیت های جغرافیایی و سیاسی کاهش می یابد و مردم جهان به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی ادغام می شوند. جوامع مختلف هر یک از نظام ارزشی برآمده از سنتها و اعتقادات دینی خاصی برخوردارند. در مواجهه با جهانی شدن این ارزش ها دچار چالش می شوند؛ به عبارت دیگر جهانی شدن با ایجاد دگرگونی در جوامع نوعی بحران هویت را با خود به همراه می آورد. هنگامی که فرد احساس می کند؛ هویت او در حال زایل شدن است؛ برای نجات از این بحران به خاص گرایی فرهنگی که بنیادگرایی نیز گونه ای از آن است، پناه می برد. در مورد مسلمانان نیز این قضیه صادق است. فرایند جهانی شدن اگرچه امکاناتی را برای همه فرهنگ ها فراهم می کند ولی وجه غالب فرهنگ جهانی کنونی، فرهنگ غربی و آمریکایی می باشد. فرایند کنونی نمی تواند منابع لازم را برای هویت سازی یک فرد مسلمان فراهم کند و این شرایط زمینه را برای رشد بنیادگرایی اسلامی فراهم می کند.

فهرست

۶	مقدمه
۶	- طرح مسئله
۷	- علل انتخاب موضوع
۸	بررسی متون
۸	- سئول اصلی
۹	- سئولات فرعی
۹	- مفروض ها
۱۰	- فرضیه
۱۰	- متغیرها
۱۰	- تعریف مفاهیم
۱۱	- روش تحقیق
۱۱	- روش سازماندهی

بخش اول: جهانی شدن

۱۴	مقدمه
فصل اول: جهانی شدن؛ تعریف ها و تفسیرها	
۱۵	تعریف جهانی شدن
۲۰	واژه جهانی شدن
۲۱	پیشینه جهانی شدن
۲۴	سیر نظریه پردازی در مورد جهانی شدن

۲۸	فصل دوم: جهانی شدن اقتصاد
۳۰	- گسترش تجارت جهانی
۳۲	سرمایه گذاری خارجی
۳۴	سازمان های اقتصادی بین المللی
۳۵	تقسیم کار بین المللی
۳۷	شرکت های چند ملیتی
۴۰	مهاجرت نیروی کار

فصل سوم: جهانی شدن سیاست و فرهنگ

۴۳	- جهانی شدن سیاست
۴۴	الگوی دولت ملت
۴۵	رهایی امر اجتماعی از سیطره دولت
۴۶	بروز مخاطرات جهانی
۴۸	حقوق بشر
۴۹	افزایش تعداد بازیگران
۵۰	جهانی شدن فرهنگ
۵۳	گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات
۵۵	توریسم
۵۶	زبان انگلیسی
۵۷	مصرف گرایی
۵۹	شکل گیری هویت جهانی
	بخش دوم: بنیاد گرایی اسلامی

فصل اول: بنیادگرایی دینی

- ۶۴ تعریف بنیادگرایی
- ۶۸ بنیادگرایی به مثابه ایدئولوژی
- ۷۰ رابطه بنیادگرایی، سنت گرایی و مدرنیسم
- ۷۱ انواع بنیادگرایی دینی
- ۷۱ - بنیادگرایی یهودی
- ۷۴ - بنیادگرایی مسیحی
- ۷۶ بنیادگرایی اسلامی

فصل دوم: بنیادگرایی اسلامی، ریشه ها، علل و عوامل

- ۸۲ - بنیان های فکری بنیادگرایی اسلامی
- ۹۰ - هواداران پیام بنیادگرایان
- ۹۲ - شاخه های مختلف بنیادگرایان اسلامی
- ۹۵ سازمان ها و کشورهای حامی بنیادگرایان
- ۹۷ تحولات تاثیرگذار بر رشد بنیادگرایی اسلامی

بخش سوم: رابطه جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی

- ۱۱۰ فصل اول: جهانی شدن، اسلام و بنیادگرایی
- ۱۱۰ جهانی شدن و بنیادگرایی دینی
- ۱۱۷ جهانی شدن و اسلام
- ۱۲۲ نظریه پردازان جهانی شدن، اسلام و بنیادگرایی
- ۱۲۲ فرانسیس فوکویاما

۱۲۶	آنتونی گیدنز
۱۳۰	امانوئل کاستلز

فصل دوم: جهانی شدن و بحران هویت در جهان اسلام

۱۳۶	تعریف هویت
۱۴۱	بحران هویت در جهان اسلام

فصل سوم: جهانی شدن فرهنگ، اقتصاد و رشد بنیادگرایی اسلامی

۱۵۱	گسترش فعالیت رسانه ها
۱۵۵	فرهنگ مصرفی
۱۵۸	مهاجرت ها

فصل چهارم: جهانی شدن سیاست و رشد بنیادگرایی اسلامی

۱۶۶	سکولاریزاسیون
۱۷۴	گسترش لیبرال دموکراسی

بخش چهارم: القاعده، بنیادگرایی اسلامی، جهانی شدن

۱۸۷	فصل اول: شکل گیری القاعده
۱۹۱	بنیان های فکری
۱۹۲	- احیای امت اسلامی
۱۹۴	- جهاد
۱۹۷	پیوند با خشونت

فصل دوم: جهانی شدن، بازیگران بین المللی، القاعده

۲۰۳	- ابعاد جهانی القاعده
۲۰۵	بازیگران تأثیرگذار در شکل گیری و قدرت یابی القاعده

۲۰۵	- ایالات متحده
۲۱۰	- عربستان
۲۱۷	خلاصه و نتیجه گیری
۲۲۳	فهرست منابع

مقدمه

۱- طرح مسئله

جهانی شدن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله موضوعات مورد بحث در محافل دانشگاهی در دهه اخیر بوده است. این فرآیند گریز ناپذیر موجب دگرگونی های بسیار در مرزهای جغرافیایی و هویتی شده است. متنوع کردن سبک های زندگی، تضعیف و تخریب عوامل و منابع سنتی هویت سازی، کم رنگ کردن قید و بندهای جغرافیایی و ایدئولوژیکی که بر روابط فرهنگی و سیاسی جوامع بشری سایه افکنده و سازماندهی کنش و واکنش از راه دور^۱ از جمله پیامدهای این فرآیند است. در بعد فرهنگی با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و تبعات آن مواجه هستیم. در بعد سیاسی، جهانی شدن شکل و ماهیت حکومت ها را دگرگون ساخته است. برای مثال حتی حکومت های اقتدارگرا نیز در سایه گسترش سازمان ها و رژیم های بین المللی مجبور به رعایت برخی از مولفه های حقوق بشر و دموکراسی هستند. در بعد اقتصادی شرکت های چند ملیتی، تجارت جهانی، تقسیم کار جدید بین المللی و سازمان های بین المللی اقتصادی به کلی این عرصه را دگرگون کرده اند. در این فضا که به سمت نوعی همگونی و ادغام پیش می رود، شکل گیری واکنش هایی که از آن با عنوان واکنش های خاص گرایانه یاد می شود به نوعی توجه

¹Action at distance

پژوهشگران را به خود جلب کرده است. منظور از خاص گرایی^۱ فرهنگی توسل به ایدئولوژی‌های است که در آن بر بی‌همتایی و حتی برتری شیوه زندگی، اعمال و باورهای گروه یا جماعتی معین تأکید می‌شود. این پدیده در انواع رفتارهای خشونت بار و غیر خشونت بار مانند خیزش‌ها و ستیزهای قومی، جنبش‌های ملی‌گرایانه، بنیادگرایی، نژادپرستی‌های جدید و از این قبیل نمود می‌یابد.

با توجه به گستردگی موضوع، در این پژوهش هدف بررسی یکی از واکنش‌های خاص گرایانه فرهنگی فرآیند جهانی شدن می‌باشد. این واکنش خاص گرایانه که از آن با عنوان بنیادگرایی اسلامی یاد می‌شود، طی دهه اخیر رشد و گسترش داشته است. جریان بنیادگرایی اسلامی به گفته کیت نش (نویسنده کتاب جامعه‌شناسی سیاسی معاصر) از برخی جهات محلی است و از جهات دیگر جهانی. از این جهت محلی است که با مکان، محل و فرهنگ معین هویت می‌یابد و از این جهت جهانی است که امکانات جهانی شدن باعث تسهیل و تسریع فعالیت این گروه‌ها شده است. (۱) در این پژوهش درصدد بررسی تأثیر آخرین موج جهانی شدن که با شتاب و قدرت در حال پیشروی است، بر پدیده بنیادگرایی اسلامی هستیم. محدوده زمانی این پژوهش از دهه ۱۹۷۰ تا سالهای اخیر می‌باشد.

۲- علل انتخاب موضوع

یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی سیاسی معاصر بررسی تأثیر جهانی شدن بر تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و گفتمان‌های مختلف است. امروزه بخش بزرگی از جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. فرآیند جهانی شدن مسلمانان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مسلمانان به شکل‌های مختلف به این فرآیند واکنش نشان داده‌اند. در این میان برخی از مسلمانان که در معرض شکلی از بحران هویت قرار گرفته‌اند، تلاش می‌کنند تا با احیای چیزی که آن را اسلام واقعی می‌نامند، خود و جهان را با شیوه خاص خود

^۱. Particularism

نجات دهند. در این راه برخی از آنها به خشونت نیز متوسل می‌شوند. آنها قرائت خود را مطلق می‌انگارند و درصدد تحمیل این طرز تفکر به تمام جهان می‌باشند. هیچ کس در جهان کنونی نمی‌تواند، مسلمانان و مسائلی را که به نحوی به آنها مربوط می‌شود را فراموش کند. زیرا این جمعیت عظیم در ۵۰ کشور دنیا زندگی می‌کنند. حتی در اروپا بیش از ۱۵ میلیون مهاجر مسلمان زندگی می‌کند. در انگلستان و فرانسه اسلام دین دوم این کشورها محسوب می‌شود. اگرچه اقلیتی از مسلمانان به سمت بنیادگرایی حرکت کرده‌اند و چهره‌ای خشن از اسلام را به تصویر کشیده‌اند، اما این اقلیت توانسته در سطح جهانی تاثیرگذار باشد. پژوهشگر علاقه مند است با نگاهی جامعه شناسانه به بررسی ریشه‌ها، عوامل و علل شکل گیری این جریان در سطح جهانی بپردازد و رابطه آن را با جهانی‌شدن ترسیم کند.

۳- بررسی متون

پیرامون جهانی‌شدن ادبیات مفصلی شکل گرفته است. در مورد بنیادگرایی اسلامی نیز کتابهایی نوشته شده که برخی از آنها به فارسی ترجمه شده‌اند اما کمتر کتاب یا پایان نامه‌ای به بررسی رابطه این دو به طور خاص پرداخته است. برای نمونه می‌توان به کتاب «جهانی‌شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی» نوشته رابرتسون که با نگاهی جامعه شناسانه به مسئله جستجو برای یافتن بنیادها می‌پردازد اشاره کرد. همچنین آقای دکمیجیان با پژوهشی عمیق درباره گروه‌های بنیادگرای اسلامی به موشکافی این مسئله می‌پردازد. در میان رساله‌های دکتری در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و تربیت مدرس، پژوهش‌های در مورد مسئله اسلام، جهانی‌شدن و هویت سیاسی جدید انجام شده است. اما در پژوهش‌های انجام شده به طور خاص، بنیادگرایی اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش قصد دارد به طور خاص به بررسی این مسئله در دهه‌های اخیر بپردازد.

۴- سوال اصلی

سوال اصلی و مهمی که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن است، این سوال می‌باشد که:

جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چه تأثیراتی بر رشد بنیادگرایی اسلامی داشته است؟

۵- سوالات فرعی

۱- این جریان از چه ریشه های فکری تغذیه می شود؟

۲- آیا بنیادگرایی اسلامی و لیبرال دموکراسی اختلاف جوهری با یکدیگر دارند؟

۳- آیا شدت یافتن جریان مبادله کالا، افکار و انسان ها و به تبع آن ضربه دیدن دیوار های مستحکم

هویتی موجب رشد بنیادگرایی شده است و بحران هویت تا چه اندازه در این میان سهم دارد؟

۴- به چالش گرفته شدن ایدئولوژی های رقیب بنیادگرایی اسلامی مانند ناسیونالیسم و سکولاریسم تا چه

اندازه در گرایش به بنیادگرایی سهیم بوده است؟

۵- آیا این پدیده تنها در میان مسلمانان دیده می شوند؟

۶- نقش رسانه های غربی در گسترش این جریان چیست؟

۶- مفروض ها

جریان جهانی شدن در سال های اخیر سرعت قابل توجهی یافته است و کشورهای مختلف به اندازه امکانات خود از این جریان بهره می برند. این جریان تبعات منفی و مثبت یا به عبارتی چالش ها و فرصت های فراوانی را با خود به همراه داشته است. نسبی شدن و تکثر هویت ها، دگرگونی جایگاه دولتها، فردگرایی و گسترش دموکراسی لیبرال از جمله این موارد است که از برخی جهات در تقابل با تفکر بنیادگرایان می باشد. علاوه بر این جهانی شدن هویت مسلمانان را که در فضای سنتی شکل گرفته بود، با بحران مواجه می کند و بنیادگرایی نیز حاصل این بحران هویت است و از طرف دیگر بازسازی هویتی جدید امری سریع و فوری نیست. برخی از انسان های دچار بحران شده بازسازی هویت خود را تنها به واسطه احیای بنیادها و ریشه ها ممکن می دانند البته این به این معنا نیست که همه انسانهای در معرض

بحران هویت به سمت بنیادگرایی حرکت کنند؛ از سوی دیگر بنیادگرایی اسلامی را نباید با اسلام سنتی هم معنا گرفت چرا که بنیادگرایی در پاسخ به تحولات دنیای نوین شکل گرفته است.

۷- فرضیه

جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب رشد بنیادگرایی اسلامی شده است.

۸- متغیرها

جهانی شدن: متغیر مستقل

رشد بنیادگرایی اسلامی: متغیر وابسته

جهانی شدن در بعد اقتصادی، فعالیت شرکت های چند ملیتی، رواج مصرف گرایی، آزادی تجارت و تقسیم کار جدید بین المللی را در پی داشته است. در بعد فرهنگی، جهانی شدن با گسترش فن آوری ارتباطات همراه می باشد و در بعد سیاسی نیز جهان شاهد گسترش سیاست سکولار و لیبرال دموکراسی بوده است همه این مؤلفه ها بر رشد بنیادگرایی اسلامی تأثیر گذاشته است.

۹- تعریف مفاهیم

با توجه به گسترده بودن دایره تعاریف در علوم انسانی از واژه های کلیدی فرضیه (جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی) تعاریفی ارائه می گردد.

در این پژوهش تعریفی عام از جهانی شدن ارائه می گردد این تعریف تلفیق تعاریف هلد و مگ گرو (که پژوهش های بسیاری در رابطه با جهانی شدن انجام داده اند) با تعریف رابرتسون می باشد به عبارت دیگر با نگاهی جامعه شناسانه تعریفی را که بر بعد فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن تأکید دارد، انتخاب می کنیم. تعریف این پژوهش عبارت است از:

گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن و تعمیق تأثیر فراقاره ای جریانات و الگوهای تعامل اجتماعی. در این فرآیند، خودآگاهی از جهان به مثابه یک کل شدت خواهد گرفت. (۲)

بنیادگرایی اسلامی: کلمه بنیادگرایی ابتدا در مورد گروهی از پروتستانها به کار برده شده و هنگامی که از بنیادگرایی مسیحی صحبت می شود، منظور کسانی هستند که به عدم تحریف کتاب مقدس و صحت یکی از نسخه های انجیل معتقدند. اما در جهان اسلام این گونه نیست زیرا که اغلب مسلمانان به عدم تحریف قرآن اعتقاد دارند. هنگامی که از بنیادگرایی در جهان اسلام بحث می شود، منظور قرائت خاصی (قرائت سلفی) از دین اسلام می باشد. بنیادگرایی اسلامی در واقع نوعی نگاه عقل گریز و متصلب به اسلام می باشد که ادعا دارد به دنبال زنده کردن روش و سیرت سلف صالح است. این روش سلف صالح توسط خود بنیادگرایان تفسیر می شود. البته بنیادگرایی در جهان اسلام شاخه های مختلفی دارد ولی در این پژوهش تنها به شاخه ای از بنیادگرایان سنی (شاخه حنبلی) مذهب پرداخته می شود. بنیادگرایی به طبقه یا ملیتی خاص محدود نمی شود اگر چه اغلب آنها ریشه ای خاورمیانه ای دارند.

۱۰- روش تحقیق

روش توصیفی - تحلیلی در این پژوهش به کار گرفته شده است. داده های این تحقیق با مراجعه به کتابخانه های تخصصی و مکتوبات موجود بدست آمده است و با تجزیه و تحلیل داده ها تاثیر جهانی شدن بر رشد بنیادگرایی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۱- روش سازماندهی

این پژوهش در چهار بخش سازماندهی شده است در بخش اول به تعریف، پیشینه و ابعاد مختلف جهانی شدن پرداخته می شود در بخش دوم بنیادگرایی دینی و به خصوص بنیادگرایی اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد در بخش سوم ارتباط این دو (جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی) بررسی می شود. در بخش چهارم نیز به بررسی یکی از گروه های بنیادگرا (القاعده) خواهیم پرداخت.

پی نوشت

- ۱- کیت، نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر، ۱۳۸۴، صص ۱۱۴ - ۱۱۳
- ۲- دیودید، هلد، آنتونی، مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران شرکت انتشارت علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۱
- ۳- اندرو، هیوود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۴

بخش اول

جهانی شدن

مقدمه

جهانی شدن موجب تغییرات بسیار گسترده ای در سطح جهانی شده است. این تغییرات در سطوح و ابعاد مختلف رخ داده است و تمام جهان به نوعی متأثر از این فرایند بوده اند. جهانی شدن در بعد اقتصادی، گسترش تجارت جهانی، فعالیت شرکت های چند ملیتی، مهاجرت نیروی کار و سرمایه -گذاری خارجی را به همراه داشته است. در بعد سیاسی موجب افزایش تعداد بازیگران بین المللی، توجه به مسئله حقوق بشر، محیط زیست و مخاطرات جهانی نظیر تروریسم شده است. در بعد فرهنگی جهانی شدن گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات، رواج زبان انگلیسی، توریسم و ... را در پی داشته است. در واقع در کنار این فرایند که به سمت نوعی همگونی پیش می رود حرکتی نیز شکل گرفته که بدنبال احیای هویت قومی، مذهبی و ملی خود است. همه این مولفه ها بطور مستقیم و غیر مستقیم با رشد بنیادگرایی رابطه دارد. برای مثال موج جدید مهاجرت نیروی کار به کشورهای غربی که در بعد اقتصادی مورد بررسی قرار می گیرد، دارای تبعات اجتماعی و فرهنگی خاصی است؛ زیرا جمعیت مهاجر به سرعت نمی تواند با فرهنگ کشورهای مقصد رابطه برقرار کند. گاهی تفاوت فرهنگی موجب به حاشیه رانده شدن می شود. این تحولات می تواند افراد را به سمت گروه هایی سوق دهد که در آن فرد هویت خود را حفظ می کند و تنش ها به حداقل می رسد در راستای این هدف در این بخش با نگاهی موشکافانه به بررسی ابعاد مختلف جهانی شدن می پردازیم.

فصل اول: جهانی شدن؛ تعریف ها و تفسیرها

تعریف جهانی شدن

جهانی شدن امروزه به یکی از اصطلاحات رایج در رشته‌های مختلف تبدیل شده است. ادبیات گسترده‌ای پیرامون این واژه شکل گرفته است و مسلماً این گستردگی از جهات مختلف سبب ابهام، اختلاف نظر و سردرگمی می‌شود. در میان دانشگاہیان تعریف واحدی از جهانی شدن که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. بر عکس نظریه‌های متضادی برای بدست آوردن برتری در حال رقابت با یکدیگر هستند، هیچ کدام از سنت‌های سیاسی موجود از محافظه کاری گرفته تا لیبرالیسم^۱ و سوسیالیسم^۲ برداشت‌ها یا واکنش‌هایی مطابق با عصر جهانی شدن ارائه نکرده‌اند. (۱)

مفهوم جهانی شدن به چندین علت دارای ابهامات ژرفی است، قسمتی از این ابهامات ناشی از نوپا بودن مطالعات و نظریه پردازی‌های انجام شده درباره ی جهانی شدن است، از طرف دیگر ناشی از چند وجهی بودن و پیچیده بودن این پدیده است. فراگیر بودن این پدیده و تأثیرگذاری آن بر جوامع موجب شده که در عرصه های مطبوعاتی و سیاسی نیز در مورد این پدیده بحث های فراوان صورت می‌گیرد و به هر حال در این فضا ارائه هرگونه تعریف از جهانی شدن مشکل به نظر می‌رسد. هر کدام از جامعه شناسان، پژوهشگران علم سیاست، اقتصاددانان و ... تعاریف مختلف و گاه متعارضی را ارائه داده‌اند. فشردگی جهان، وابسته تر شدن بخش‌های مختلف جهان، افزایش وابستگی و در هم تنیدگی جهانی، فرآیند غربی کردن و همگون سازی جهان، ادغام همه جانبه اقتصادی، کاهش هزینه‌های تحمیل شده توسط فضا و زمان، قطره کوچکی از این دریای تعاریف است. البته در تعاریف و مفهوم بندی‌های متنوع و متفاوت محورها و عناصر مشترکی را از هم می‌توان شناسایی کرد.

¹ Liberalism

² Socialism